

قبل از هر چیز باید بدانیم که حروف ابجد شامل صورت‌های هشتگانه‌ای هستند که همگی به نام صورت اول که ابجد باشد معروف شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که حروف ابجد شیوه‌ای برای مرتب‌سازی حروف زبان عربی است که بر پایه الفبای اولیه خط فنیقی مرتب شده‌اند. ترتیب حروف صامت (بی صدا) در این شیوه همان ترتیب عبری – آرامی است که اعراب الفبای خود را از آنان و از طریق نبطیان اقتباس کرده است. الفبای ابجد بر دو نوع است، حروف ابجد صغیر و حروف ابجد کبیر

حروف ابجد صغیر

الف=۱ ب=۲ ج=۳ د=۴ ه=۵ و=۶ ز=۷ ح=۸ ط=۹ ی=۱۰ ک=۸ ل=۶ م=۴ ن=۲ ع=۱۰ ف=۸ ص=۶ ق=۴ ر=۸ ت=۴ ث=۸ ذ=۴ ض=۸ غ=۴

حروف ابجد کبیر

الف=۱) (ب=۲) (ج=۳) (د=۴) (ه=۵) (و=۶) (ز=۷) (ح=۸) (ط=۹) (ی=۱۰) (ک=۱۱) (ل=۱۲) (م=۱۳) (ن=۱۴) (ع=۱۵) (ف=۱۶) (ص=۱۷) (ق=۱۸) (ر=۱۹) (ت=۲۰) (ث=۲۱) (ذ=۲۲) (ض=۲۳) (غ=۲۴)

ترتیب تلفظ حروف ابجد

برای آسانی به خاطر سپردن ترتیب این حروف، هر چند حرف را به صورت یک واژه در آورده و تلفظ می‌کنند. ابجد هوز حطی کلمن سغفص قرشت نخذ ضلغ نحوه تبدیل واژه به عدد هر کلمه ای را می‌توان بر اساس حروف ابجد معادل یک عدد قرار داد. برای مثال: کلمه‌ی علی از سه حرف ع، ل و ی تشکیل شده است. ع = ۷۰ ، ل = ۳۰ و ی = ۱۰ حال اگر این سه عدد را با هم جمع کنیم عدد ۱۱۰ به دست می‌آید. شاید شما هم روی تابلو بسیاری از مغازه‌ها با عدد ۱۱۰ برخورد کرده باشید یا پلیس ۱۱۰

طرح: عصر مردم

بهره‌گیری از حروف ابجد در ادبیات فارسی

نوشته: زهرا علوی نژاد*

در واقع این نوع از نامگذاری با هدف متبرک نمودن و قداست بخشیدن به یک کار و یا مکان صورت می‌گیرد. به غزل زیر از حافظ توجه کنید

طالع اگر مدد کند دامنش آورم به کف
گر بکشیم زهی طرب و ز بکشد زهی شرف
طرف کرم ز کس نیست این دل پر امید من
گرچه سخن زده‌ی برده قصه‌ی من به هر طرف
از خم ابروی توام هیچ گشایشی نشد
وه که در این خیال کج عمر عزیز شد تلف
ابروی دوست کی شود دست‌کش خیال من
کس نزدست از این کمان تیر مراد بر هدف

چند به ناز پرورم مهر بنان سنگدل
یاد پدر نمی‌کنند این پسران ناخلف
مه به خیال زاده‌ی گوشه‌نشین و طرفه آنک
مغیبه‌ای ز هر طرف می‌زندم به چنگ و دف
بی‌خبرند زاهدان نقش بخوان و لا تقل
مست ریاست محتسب باده بگیر و لا تخف
صوفی ششهر بیسن که چون لقمه‌ی شمشیه می‌خورد

پاردمش دراز باد این حیوان خوش علف
حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق
بدرقه‌ی رهت شود همت شحنه‌ی نجف
در آغاز این غزل با کلمه‌ی **طالع** برخورد می‌کنیم و در پایان آن کلمه‌ی **نجف** قرار گرفته است. بدون تردید نجف شما را به یاد علی (ع) می‌اندازد که در آنجا به خاک سپرده شده است و اساس دلیل آباد شدن این منطقه هم وجود مقبره علی (ع) است و در واقع نگهبان و نگهدارنده و فلسفه‌ی وجودی چنین شهری نیز مرقد مطهر علی (ع) است بنابر این او مانند شحنه و نگهبان نجف است. حال اگر معادل عددی کلمه‌ی **طالع** را که در آغاز آمده بر اساس حروف ابجد حساب کنیم خواهیم داشت:

احمد از تخت چون فرود آید
پهلوی جاش متکی باشد
به حساب جمل هم از نگرى
احمد و پهلوی یکی باشد
حال اگر بخواهیم معادل عددی احمد را بر مبنای حساب جمل یا حروف ابجد حساب کنیم نتیجه زیر حاصل می‌شود:

احمد (الف=۱ ح=۸ م=۴۰ د=۴) = ۵۳ = ۴+۴۰+۱۸=۱
پهلوی پ(معادل ب) = ۲ = ۵+۰ = ۵
و=۶ ی=۱۰ = ۵۳ = ۲+۵+۳+۰+۶+۱۰+۰
شایان ذکر است که از حروف ابجد برای شماره گذاری مقدمات کتاب نیز استفاده می‌کنند. حتی در ریاضیات نیز در تقسیم‌بندی سرفصل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ماده تاریخ

برخی از شاعران و نویسندگان برای این که تاریخ یک رویداد مهم را ثبت نمایند و آن را دارای ارزش ادبی کنند که همراه با آثار برجسته دست به دست شود با استفاده از حروف ابجد کلماتی را مورد استفاده قرار می‌دهند که هم در ساختار شعر جای مناسب و معناداری پیدا می‌کند و هم یادآور تاریخ مشخصی است. برای تعیین تاریخ وفات حافظ نیز چنین سروده‌اند:
چو در خاک مصلی یافت منزل
بجو تاریخش از خاک مصلی
خ = ۶۰۰ الف = ۱ ک = ۲۰ م = ۴۰ ص = ۹۰ ل = ۳۰ ی = ۱۰
بنابراین با جمع اعداد به عدد ۷۹۱ می‌رسیم ۷۹۱=۱۰+۳۰+۴۰+۲۰+۶۰۰ یعنی اواخر قرن هشتم هجری قمری بر اساس آنچه مورخین گفته‌اند در عهد عباسیان استفاده از حروف ابجد و حساب جمل برای ساختن ماده تاریخ متداول گردیده و از شاعران ایرانی نیز کسانی نظیر مسعود سعد سلمان، خواجهی کرمانی و حافظ در بهره‌گیری از حروف ابجد مهارت بالایی داشته‌اند. خصوصا حافظ که بهره‌گیری نامحسوسی از حروف ابجد انجام داده به طوری که کمتر کسی در برخورد اول متوجه آن می‌شود.

دیبر ریاضی ناحیه یک شیراز

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

جواب جدول شماره ۹۴/۷۴۴

- افقی:**
۱- پرب‌ترین رود ایران- از کارهای
پردغدغه اداری
۲-رها- بدون معطلی- سرما
۳- نام مادر حضرت یوسف (ع)- سخن
بیهوده- ساحل
۴- از جنس بیخ- مادر باران- قاتل درخت-
بسیار محرمانه
۵- اندام- تکخال- روحانی زرتشتی
۶- از شهرهای آمریکا- به ارمنستان و
آذربایجان کنونی اطلاق می‌شد
۷- قدرت- تخم خرما- رهایی
۸- ننگ- مکمل شلوار- از میوه‌های پاییزی-
ید
۹- مرغ سرخ شده با آتش- نمکین- از
تقسیمات زمین کشاورزی
۱۰- گونه‌ای- دوستان- از صفات میهم
۱۱- چهره- پاسخ منفی عرب- توان-
حیوان باوفا
۱۲- بزرگترین دریاچه جهان- نظم
بخشیدن- از مواد افیونی- گل سرخ
۱۳- بسیار بخشنده- نیروی انتظامی
جمهوری اسلامی- شایسته نیست
۱۴- خنک- با ارده مخلوط می‌کنند- اثر
چربی روی لباس
۱۵- بی تفاوتی- آرتیست
عمودی:
۱- قنات- کار معبر
۲- هنگام احساس درد می‌گویند- خبر از
پیاوه ندارد- در آب راكد شكل می‌گیرد

جدول شماره ۹۴/۷۴۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱



آشنایی با قرآن
متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره انشقاق
نمی‌دانست پروردگاری دارد که بصیر به احوال اوست و آن پروردگار او را به سوی منزلی حرکت می‌دهد. نمی‌دانست که الان که در دیباست مثل کسی است که در کشتی یا هواپیما سوار است؛ انسان وقتی که در کشتی سوار است و برون را نگاه نمی‌کند، نمی‌فهمد که این کشتی دائماً در حال حرکت است و از مبده‌ی به مقصدی می‌رود. او خودش را نسبت به این چهار دیوار کشتی و اتاق‌ها و اوضاع و افرادی که در این کشتی هستند و وضع ثابته دارند نمی‌بیند. نمی‌داند که در قدم به مقصد نزدیک می‌شود. نمی‌داند که این کشتی ناخدایی دارد که آن را به طرف سمتی حرکت می‌دهد و چشم بینای این ناخدا تمام جزئیات اعمال او را می‌بیند. فلا اقسام بالشفق. نه، سوگند به سرخی اول شب. «شفق» و «فلق» از مظاهر خلقتند که قرآن به آنها قسم می‌خورد. سبیده صبح را «فلق» و سرخی اول شب را «شفق» می‌گویند. بعد از اینکه خورشید غروب می‌کند، در افق مشرق ابتدا یک مقدار قرمزی دیده می‌شود که بعد از این قرمزی مثل اینکه از بالای سر انسان رد شود، می‌آید در مغرب و به صورت یک حمره و قرمزی نمودار می‌شود. یکی از این مناظر زیبایی که همیشه اهل شعر و ادب آن را توصیف می‌کنند همین شفق است. و اللیل و ما وسق. سوگند به شب و جمع کردن شب، شب، عامل جمع‌آوری جاندارها اعم از انسان و غیر انسان است، برخلاف روز که عامل پهن کردن و بیرون آمدن است. در شب، انسان‌ها و همه حیوانات از درنده گرفته تا حشره و پرند به مراکز خودشان می‌روند و آرام می‌گیرند و در روز پهن می‌شوند. و القمر اذا اتسق. و سوگند به ماه آنگاه که اتساق و اتزان کامل می‌پذیرد، سوگند به ماه تمام (ما معمولاً می‌گوییم ماه شب چهارده) لتزکین طباق عن طبق که شما سوار خواهید شد مرحله‌ای بعد از مرحله‌ای. قرآن اینجا تعبیر به «کوب» می‌کند. می‌فرماید شما به منزله سوارهایی هستید که از مرحله‌ای به مرحله‌ای سوار خواهید شد و خواهید رفت؛ فقط تا اینجا نیامده‌اید، از اینجا هم می‌روید؛ مرگ برای شما یک مرحله است، برزخ و حشر و حساب مراحل دیگری هستند، بهشت برای عده‌ای و جهنم برای عده‌ای مرحله دیگری است. بعضی آیه لتزکین طبقاً عن طبقاً را طور دیگری معنی کرده‌اند که در برخی روایات هم این معنی آمده است، اگر چه با سباق این آیات جور درمی‌آید. گفته‌اند این آیه از بحث قیامت خارج شده و این مطلب را بیان می‌کند که شما امت اسلام هر مرحله‌ای را که در امت‌های پیشین گذرانده‌اند خواهید گذراند؛ یعنی آنچه در امت‌های پیشین واقع شده در این امت واقع خواهد شد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. فلا اقسام بالشفق. و اللیل و ما وسق. و القمر اذا اتسق. لتزکین طبقاً عن طبقاً. فما لهم لا یؤمنون. و اذا قرى عليهم القرآن لا یسجدون. بل الذین کفروا یکذبون. و الله اعلم بما یوعون. فبشرهم بعباد الیم. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم اجر مومن. آیات آخر سوره مبارکه انشقاق است. می‌فرماید: پس نه، سوگند به شفق. عرض کردیم که چند دقیقه بعد از غروب آفتاب در افق، شعاع آفتاب که ابتدا در مشرق دیده می‌شود، به صورت یک سرخی در مغرب نمایان می‌شود. «شفق» همان سرخی اول شب است که از مناظر زیبا و عالی طبیعت است. معمولاً شعرا و اهل ادب و آنهایی که زیبایی‌های طبیعت را توصیف می‌کنند یکی از چیزهایی که توصیف می‌کنند همین «شفق» است و گاهی عکس‌بردارهایی هم از آن می‌شود. سرخی نور آفتاب که به ابرها می‌افتد و ابرها را آتشگون می‌کند منظره عالی و زیبایی است و نشان‌دهنده رفتن خورشید و آمدن شب است. و اللیل و ما وسق. و سوگند به شب و به آنچه که در خود جمع می‌کند. عرض کردیم که از نظر جاندارها مطلقاً (انسان و غیر انسان) الا ما شد و ندر، روز مظهر پخش شدن و پراکندگی است و شب مظهر جمع شدن و پنهان شدن است. در روز انسان‌ها و حیوان‌ها از مسکن‌ها و ماواهای خودشان بیرون می‌آیند و پخش می‌شوند و شب هر انسانی و هر حیوانی به مسکن و ماوای خودش باز می‌گردد]. به نظر می‌رسد که این مسئله تمام شدن روز و آمدن شب و بار دیگر آمدن روز که در اینجا آورده شده تمثیلی است از زندگی دنیا و بعد مردن و در زیر زمین و خانه اصلی پنهان شدن و باز در یک روز بزرگ کلی دیگر که اسمش قیامت است، پخش شدن و منتشر شدن. و القمر اذا اتسق. و سوگند به ماه آنگاه که اتساق نسر و اجتماع نور پیدا می‌کند، یعنی آن وقتی که ماه با نور کامل ظاهر می‌شود. در جواب این سوگندهای به این مظاهر می‌فرماید: لتزکین طبقاً عن طبقاً. البته (با تاکید تمام، یعنی شک‌بردار و تردید برادر نیست) که شما سوار خواهید شد بر حالی بعد از حالی.

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است. تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود. اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

جواب جدول شماره ۹۴/۲۱۸

7	1	8	3	6	4	5	9	2
4	6	5	8	2	9	1	3	7
2	3	9	5	1	7	8	6	4
9	7	6	1	5	8	4	2	3
1	8	3	4	9	2	6	7	5
5	4	2	7	3	6	9	8	1
3	9	4	2	8	1	7	5	6
8	5	7	6	4	3	2	1	9
6	2	1	9	7	5	3	4	8

جدول شماره ۹۴/۲۱۹

